

## نقش و نگرش طبقات اجتماعی و گروه های مرجع اثرگذار در آموزش و پرورش پیش دبستانی

رعنا شیفراده تکابی<sup>۱</sup> و پروین شیفراده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه پمران

<sup>۲</sup> دکتری کارشناس ارشد ادبیات پیام نور

### چکیده

سبک زندگی مجموعه تقریباً هماهنگی است از تمامی رفتارها و کنش‌هایی که یک فرد در طول زندگی روزمره از خود نشان می‌دهد، در واقع سبک زندگی نمودی از جهت‌گیریها و عادات روزانه است، سبکی شدن زندگی با شکل‌گیری فرهنگ مردم رابطه نزدیکی دارد، بنابراین می‌توان شناخت لازم در مورد فرهنگ یک جامعه را از طریق شناخت سبک زندگی آن جامعه به دست آورد.

پیشینه تحقیق حاضر نشان داده است که طبقه اجتماعی افراد در بینش نگرش و باورهای آنها نسبت به مسائل مختلف زندگی شخصی و اجتماعی تاثیر دارد. گرایش‌های تحصیلی و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان تابعی از طبقه اجتماعی آنهاست همین موارد ضرورت انجام تحقیق حاضر را ایجاد نمود.

در این پژوهش بررسی تأثیر آموزش پیش دبستانی بر رشد رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی و عوامل و مؤلفه‌هایی که بر رشد اجتماعی اثر می‌گذارند و به آن شدت می‌بخشند با ارائه این پژوهش گامی هرچند اندک در رشد اجتماعی کودکان برمی‌داریم که یکی از نیازهای زندگی اجتماعی، جهت‌سازگاری با جامعه و محیط اجتماعی است که مقبولیت او را در پی خواهد داشت. روش تحقیق این پژوهش اسنادی و پیمایشی است و جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش بصورت فیش برداری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: طبقات اجتماعی - گروه‌های مرجع - آموزش پیش دبستانی

## تعریف اصطلاحات کلیدی

**طبقات اجتماعی:** به بخشی از جامعه اطلاق می‌شود که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته جمعی، میزان ثروت و دیگر دارایی‌های شخصی و نیز آداب معاشرت با دیگر بخش‌های همان جامعه متفاوت باشد. (کوئن، ۱۳۷۲، ۲۳۹)

**گروه‌های مرجع:** افراد برای شکل دادن به باورها و عقاید خود و همچنین برای چگونگی عملکردهای خود در عرصه‌های مختلف خود را، با گروه‌هایی متشکل از افرادی که عقاید و عملکرد آنها را نمونه می‌پندارند، مقایسه می‌کنند و از این طریق به ترسیم هویت خودشان می‌پردازند. این گروه‌های مورد مراجعه که از آنها پیروی می‌شود، «گروه‌های مرجع» نامیده می‌شوند.

**آموزش پیش دبستانی:** آموزش و پرورش پیش دبستان عبارت است از هدایت جریان رشد طبیعی کودکان از تولد تا ۶ سالگی در زمینه‌های رشد عاطفی و اجتماعی، شناختی و حرکتی برای کمک به این جریان رشد، استفاده از روش‌های آموزش مستقیم، معلم محور، موضوع محور یا برنامه‌های مدون غیر قابل تغییر و انعطاف ناپذیر

## مقدمه

تربیت یک فرد نتیجه کوشش‌های عمدی و رسمی خانواده یا مدرسه نیست بلکه تربیت هر فرد نتیجه کوشش‌های همه عواملی است که در شکل‌گیری شخصیت او نقش داده‌اند. (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۲) برخورداری از تربیت عمدی در هر جامعه با مشکلات فراوانی روبرو است که ریشه این مشکلات را می‌توان در دوران نوجوانی و در محیط‌های تربیتی خانه و مدرسه مشاهده کرد. معمولاً نوجوانانی که در دوره بلوغ دارای مشکلات هستند بیشتر در دوران کودکی نیز مشکلاتی داشتند. با توجه به اینکه هر سال مشاهده می‌شود بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل نارسایی در یادگیری با افت تحصیلی مواجه‌اند؛ در تحقیق حاضر این مشکل در رابطه با طبقه اجتماعی دانش‌آموزان پیش دبستانی مورد بررسی قرار گرفته و این سوال مطرح شده که آیا بین طبقه اجتماعی و میزان یادگیری رابطه وجود دارد یا خیر؟ بنابراین با ترکیب این نظریه‌های جامعه‌شناسان و روانشناسان که هر یک در مورد طبقه اجتماعی و یادگیری نظریه‌هایی ارائه کرده‌اند سعی شده تا با ساختن چارچوب نظری ضمن شناخت رابطه بین علل روانی و اجتماعی یادگیری راهکاری عملی برای افزایش میزان یادگیری دانش‌آموزان فراهم شود.

## بیان مسئله

در هر جامعه‌ای نظام آموزش و پرورش با انسانها، تفکرات، استعدادها، ارزشها و باورهای آن‌ها سر و کار دارند. تلاش مستمر در جهت پرورش استعدادها، ایجاد قوه تفکر، استنتاج و خلاقیت، جرات و توان بروز اندیشه‌های مستقل و پویا و به ویژه نظرات بر مشکلات و مسائل جامعه از وظایف بسیار حساس این نهاد به شمار می‌رود. به منظور آموزش دادن افراد جامعه که البته جمعیت واجب‌التعلیم عمده‌ترین بخش آن را تشکیل می‌دهد، دولت‌ها می‌بایست نهاد آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری نمایند. از این نظر که ترکیب جمعیت افراد تحت آموزش ناهمگون می‌باشد، طرق و روش‌های تعلیم و تربیت یکسانی را نمی‌توانند پذیرا باشند. (اسچونک، ۱۹۹۱: ۲۲) ناهمگونی دانش‌آموزان تنها به لحاظ سنی نیست بلکه با نابرابری‌های بهره‌هوشی، استعدادها، وضع اقتصادی، رفاهی و فرهنگی خانواده، مشکلات عاطفی و غیره ارتباط دارد. در حالی که نظام آموزشی در همین جنبه‌ها نیز شیوه‌های عمدتاً یکسان را اتخاذ کرده است. (بیرو، ۱۳۶۶: ۵۵) آموزش برابر برای انسان‌های نابرابر و در یک سطح قرار دادن تمامی آنها خود به منزله بی‌عدالتی است. در طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی توجه به تاثیر عوامل محیطی خارج از نظام تربیتی ضرورت خاصی دارد و هر نوع برنامه‌ریزی بدون توجه به این عوامل عملاً بیگانه با واقعیت‌ها خواهد بود. در نتیجه تنوع طبقه اجتماعی دانش‌آموزان و یکسانی روند یادگیری در مدارس موجب می‌شود تا اثر پذیری دانش‌آموزان از مدرسه متفاوت باشد. (مقیمی، ۱۳۷۹: ۷۰)

اگر والدین از شناخت درست برخوردار باشند دارای عواطف قوی‌تر و مناسب‌تری در مقابل فرزندان خود بوده و محیط عاطفی خانواده را برای فعالیت و تلاش کودکان آماده‌تر می‌کنند. اطلاع و آگاهی والدین از دوره نوجوانی احساسات و شخصیت نوجوان در این دوره و رعایت حال فرزندان خویش در مقابل احساسات این دوره بسیار حائز اهمیت است. در مقابل آشفستگی خانواده و

رواج رفتارهای نامناسب و فقر فرهنگی باعث می شود فرزندان مفیدی در خانواده تربیت نشوند. (دیس، ۱۹۵۸: ۸۲) در مجموع شرایط خانوادگی طبقه اجتماعی خانواده را رقم می زند که تعاملات اجتماعی، موفقیت تحصیلی و جامعه پذیری آن طبقه را تحت تاثیر قرار می دهد. از آنجا که گروه های انسانی در هر طبقه اجتماعی از دیدگاه خاصی برخوردار هستند شناخت این ویژگی ها در دستیابی آنها به امکانات اجتماعی، جامعه پذیری و تاثیرپذیری از مدرسه حائز اهمیت است. (ایچ، ۱۹۵۲: ۳۱)

دوره پیش دبستانی دوره پر از مخاطرات گوناگون و در عین حال سرشار از فرصت های یادگیری و تجربه است، در این دوران کودکان می توانند نگرش و طرز برخورد مثبت و سازنده خود را در خصوص آموختن و مشارکت در کارهایشان بسط دهند و این مسئولیت خطیر در سال های اخیر بر دوش مراکز پیش دبستانی نهاده شده است. امروزه کودکان قبل از ورود به آموزش رسمی یک سال را در مراکز پیش دبستانی طی می کنند که این مراکز تحت نظارت آموزش و پرورش و یا بهزیستی قرار دارد. به نظر می رسد که شرکت کودکان در دوره های پیش دبستانی به یادگیری الگوهای رفتاری سازگارانه و تعدیل خواسته های خود از طریق بازخورد از همسالان و مربیان منجر شده و زمینه بلوغ اجتماعی را فراهم می کند. عدم تماس با دیگران در دوره پیش دبستانی موجب کاهش تمایل و تماس با مردم، بی علاقهگی به زندگی جمعی، تضعیف نیروی ابتکار و بی کفایتی کودک در طرح زندگی آینده او است. سالهای اولیه زندگی کودک از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا از یک سو در این دوره رشد و یادگیری با سرعت انجام می گیرد و از سوی دیگر، تجربه این دوره پایه و اساس یادگیری های دوره بعد و به ویژه دوره دبستان است. طبق بررسی ها و تحقیقات، معلوم شده است که حدود ۸۰٪ شخصیت کودک در شش سال اول زندگی او شکل می گیرد. (مفیدی، ۱۳۸۱) در همه فرهنگ ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است البته در مراحل بعدی زندگی فرد، بسیاری از عوامل دیگر (همچون روابط همالان، مدارس، رسانه های همگانی و...) در اجتماعی شدن فرد نقش دارند، خانواده ها جایگاه مختلفی در چارچوب کلی نهادهای یک جامعه دارند. در بیشتر جوامع سنتی، خانواده ای که فرد در آن متولد می شود تا اندازه زیادی تعیین کننده موقعیت اجتماعی فرد در بقیه زندگانی اش است، در جوامع امروزی غربی، موقعیت اجتماعی به این ترتیب در هنگام تولد به ارث برده نمی شود. با این وجود، منطقه و طبقه اجتماعی خانواده ای که فرد در آن متولد می شود بر الگوهای اجتماعی شدن به شدت تاثیر می گذارند. با این وصف، برخی از عوامل که در اجتماعی شدن فرد موثر هستند، می توانند به عنوان بخشی از مولفه های موثر در تغییر نگرش افراد نسبت به شیوه زندگی باشند یا به تعبیری دیگر این عوامل موجب گشوده شدن راه های نوین برای تسهیل در انتخاب افراد می شوند به طوری که تاثیر برخی از آنان از جمله رسانه ها به شکلی است که با کنار هم قرار دادن موقعیتها و حالت های گوناگون، شکل ها و نمادهای ویژه ای را به وجود می آورند که سبک زندگی بی سابقه و نیز انتخاب های تازه ای را القاء می نمایند. (گیدنز، ۱۳۷۸، ۱۲۴)

نقش خانواده در هویت یابی، خانواده، بنیان زندگی اجتماعی و اولین کانون تربیت فرزندان است. نهاد خانواده اساسی ترین و اولین محیط اجتماعی شدن است. کودک از بدو تولد در دامن خانواده نشو و نما می یابد و سپس در کنار دیگر نهادهای اجتماعی شدن ارتباط خویش را با آن حفظ می کند. گرچه تاثیر خانواده امروزه به سبب جابه جایی نقش ها کم شده است؛ اما هیچگاه این تاثیر از بین نرفته است. استمرار و بقای هر جامعه مستلزم آن است که مجموعه ای از باورها، ارزش ها، رفتارها، گرایش ها، دانش ها و مهارت های فرهنگی-اجتماعی جامعه به نسل جاری و جدید منتقل شود. اما ناگفته نباید گذاشت که سرآغاز آموزش و پرورش را باید در نهاد اجتماعی اصلی، یعنی خانواده جستجو کرد که تمام کارکردهای لازم برای بقا و دوام زندگی اجتماعی را عهده دار است. در عین حال آموزش و پرورش هر جامعه با نظام اجتماعی و فرهنگی آن پیوند معناداری دارد؛ ولی دو نهاد آموزش و پرورش و خانواده بیش از پیش رابطه تنگاتنگی با هم دارند. لیکن برای روشن شدن ارتباط واقعی این دو نهاد پایدار نباید از پدیده خاستگاه طبقاتی خانواده غافل شد. به عبارت دیگر نمی توان مساله شرایط طبقاتی و منزلتی خانواده را در تحلیل ارتباط خانواده با آموزش و پرورش از نظر دور داشته و حذف نمود.

بعلاوه در یک نگاه دیالکتیکی، تغییر و دگرگونی نظام طبقاتی جامعه در اثر گسترش آموزش و پرورش یک کارکرد ضمنی است که غالباً طبقه حاکم و صاحبان سرمایه را دچار هراس می سازد. زیرا برخورداری از آموزش و پرورش، ارتقای فرزندان

طبقه کم درآمد جامعه را به پایگاه و مقام اجتماعی بالاتر میسر می سازد، و این فرایندی در جهت توسعه و پیشرفت جامعه است. از این رو والدین برای فرزندان خود خواهان آموزش و پرورش بهتر و بیشتر هستند تا از این طریق آنها در جامعه به منزلت و پایگاه اجتماعی بالاتر نائل گردند.

پیچیدگی و ظرافت مساله این است که کودکان از حوادث بالفعل زندگی درس می گیرند و از تجربه ها راهش را انتخاب می کند. برای او روحیه والدین و اولیه مدرسه، در حکم پیام، رفتارشان به منزله مواد خام و ارتباط در حکم نتیجه نهایی است؛ و هر ضربه ای از سوی محیط اطراف او را به انحطاط می کشاند. (مجله تربیت، سال ۱۱، شماره سوم، ۱۳۸۳؛ ۲۷) از این رو به نظر محققان برای شناخت دانش آموز، مطالعه پایگاه طبقاتی خانواده یکی از ریشه های مهم و مقتضیات زندگی جمعی به ویژه در جوامع شهری توسعه نیافته می باشد. مطالعه جامعه شناسی طبقات اجتماعی نشان می دهد کودکان طبقه بالا با این هدف تربیت می شوند تا استعدادهای شان شکوفاتر گردد، ولی اعضاء خانواده های طبقات پایین خود را برای دست یابی به این هدف ترغیب نمی کنند؛ و گرایش چندانی به تحرک اجتماعی از خود بروز نمی دهند. چگونه این واقعیت اتفاق می افتد و چه زمینه ها و شرایطی دخالت دارند که این مساله، علائم و عوارض خود را در خانواده و آموزش و پرورش برجای می گذارد. و جریان اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان جامعه را دچار تعلل و آسیب پذیری می کند. در واقع این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که نقش و نگرش طبقات اجتماعی و گروههای اثر گذار در آموزش پیش دبستانی چگونه است؟

### ضرورت و اهمیت تحقیق

از آنجایی که گروه های انسانی در هر طبقه اجتماعی از ویژگی های خاص برخوردار هستند، شناخت این ویژگی ها در دستیابی آنها به امکانات اجتماعی، روابط اجتماعی، جامعه پذیری و تاثیرپذیری از مدرسه حایز اهمیت است. طبقه اجتماعی به طور عینی تعیین می شود و عمدتاً از عواملی مانند درآمد، شغل و میزان تحصیلات نشأت می گیرد. در پژوهش های متعدد ثابت شده است که کودکان به سبب روند متفاوت رشد و تکامل در طبقه اجتماعی خود ارزش ها، نگرش ها و جهت گیری های متفاوتی نیز دارند در نتیجه هنگام ورود به مدرسه نیز از این تفاوت ها آشکار می شود. به طوری که آگاهی های متفاوت کودکان طبقه پایین، متوسط و بالا در طی تحصیل در مدرسه نه تنها کم نمی شود بلکه متأسفانه نسبت آن به صورت تراکمی افزایش می یابد، در نتیجه ضرورت آگاهی والدین از این ویژگی ها و شناخت عوامل آموزشی در آموزش فراگیران با توجه به این تفاوت اهمیت زیادی دارد. انجام پژوهش ها در این حوزه می تواند اطلاعات مفیدی را برای دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت فراهم سازد.

### روش تحقیق

به منظور شناخت محتوای نظریه های روانشناسان و جامعه شناسان در خصوص نقش و نگرش طبقه اجتماعی از روش اسنادی استفاده شده است. و همچنین ابزار جمع آوری اطلاعات در مورد چگونگی وضعیت موجود و چگونگی رابطه میان متغیرها از طریق جمع آوری اطلاعات فیش برداری از اسناد و متون بوده است.

### پیشینه مطالعاتی

منابع و متون غیرمستقیم و عمومی و تئوری درباره موضوع مورد نظر کم نیستند اما از آن جایی که قصد بررسی تجربی داریم رجوعی به برخی سوابق نزدیک به موضوع داشته ایم که در ذیل ملاحظه می نمایم.

حسن، طلایی « رساله با عنوان تاثیر قشر بندی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در شهرستان خرم آباد در سال تحصیلی (۷۱) » در مقدمه این مقاله، رشد تحصیلی را به عنوان یک خصیصه فرهنگی در حیات قشرهای یک جامعه می داند که بسیاری از محققان علوم اجتماعی و تربیتی به مطالعه آن علاقمند اند. در این پژوهش، به روشنی تاثیر آشکار نابرابری های اجتماعی، اقتصادی بر آموزش و پرورش به خوبی بیان شده و قشر بندی به عنوان متغیر مستقل و رشد تحصیلی به عنوان متغیر وابسته منظور شده است. محقق با کمک شاخص هایی چون: تحصیلات، درآمد، شغل به تحلیل داده ها پرداخته و چنین نتیجه گیری کرده است: مردود شدن و تکرار کلاس در ایران قابل توجه است؛ بین میزان همبستگی و رشد تحصیلی با قشر اجتماعی خانواده رابطه وجود دارد.

بیرشک و مرادی (۱۳۸۳) طی مطالعه‌ای دریافتند دانش‌آموزانی که آموزش پیش دبستانی را گذرانده‌اند سازگاری اجتماعی بهتری دارند.

نتایج پژوهشی ابراهیمی و همکاران (۱۳۸۲) حاکی است که شرکت کودکان در کلاسهای پیش دبستانی برای ارتقا روابط اجتماعی سودمند است احتمالاً به علت این که کودکان در این دوره‌ها به کنش متقابل با گروه هم‌تا می‌پردازند، رفتارهای اجتماعی را به طریق تقویت و تنبیه مناسب و یادگیری مشاهده‌ای می‌آموزند و این فرصت مناسبی برای درک دیگران، احترام متقابل و خودابزاری منطقی است.

لانینبرگ (۲۰۰۰) مهد کودک باعث ایجاد تفاوت در زمینه‌های تحصیلی، اقتصادی و روابط اجتماعی می‌شود، چون محیط مهدکودک تجربیاتی را در کودکان بارور می‌کند که باعث تقویت عملکرد شناختی و اجتماعی آنان می‌شود. آمادگی و اشتیاق کودک برای رفتن به مدرسه، موفقیت تحصیلی اولیه و کسب مهارت‌های مدرسه‌ای را می‌توان با یک یا دو سال آموزش پیش دبستانی بهبود بخشید.

### دیدگاه‌های موجود در زمینه‌ی نابرابری و قشربندی اجتماعی

در آن رابطه نظریه‌های متنوعی وجود دارد. که به برخی از نظرات صاحب‌نظران جدید و کلاسیک جامعه‌شناسی به منظور برخورداری از یک ساماندهی و تحلیل علمی فرضیه‌ها و یافته‌ها انتخاب شده است که در ذیل به اختصار شرح داده و بیان می‌نماییم.

#### الف- آنتونی گیدنز:

آنتونی گیدنز با آگاهی کامل از نظریه‌های مارکس، وبر، دور کیم «نظریه ساختی شدن» خود درباره طبقه اجتماعی را به شیوه‌ای عرضه کرده است که یک دیدگاه جامع ترکیبی از آن به وجود می‌آید. وی در کتاب خود به نام «ساخت طبقاتی جوامع پیشرفته» بر آن است که ماهیت طبقه و قدرت، اهمیت بوروکراسی و نقش دولت را در جوامع پیشرفته نشان دهد. از دید او، نظام طبقاتی دو طبقه‌ای «بورژوا در برابر پرولتاریا» شیوه‌ای کامل است، به طوری که بسیاری از طبقه‌های بینابینی را به فراموشی می‌سپارد. وی باور دارد که پایه تفاوت‌های طبقاتی، داشتن و نداشتن وسایل تولید (سرمایه ثابت و متغیر) است؛ همچنین طبقه‌ها ناشی از تفاوت‌های قدرتی گروه‌ها در بازار سرمایه داری هستند. در چارچوب اقتصادی، سرمایه داران، قدرت بیشتری نسبت به کارگران دارند. زیرا دارای حق مالکیت بر وسایل تولید هستند. در حالی که کارگران، فقط حق فروش نیروی کار خود را دارند. در اینجا گیدنز حق سومی را نیز یادآور می‌شود و آن، حق تملک و صلاحیت تحصیلی است. از دید گیدنز این حق، یعنی مالکیت تحصیل با مهارت نیروی کار. (فرشاد مجید، ۱۳۷۷) پس بنابراین افراد محکوم تحمل تفاوت‌های طبقاتی در جوامع جدید که تجربه نظام سرمایه داری راطی می‌نمایند هستند؛ و آثار و عوارض آن متاثر می‌باشند. بخصوص آن که بلحاظ پایگاه خانوادگی از امتیاز مالکیت تحصیل و مهارت نیروی کار برخوردار نباشند. از این روفرصت‌های رشد و تحول روبه توسعه فکری-آموزشی افراد کاهش جدی یافته و تنزل پیدامی‌کند.

#### ب- نظریه کارل مارکس:

مارکس عامل تفکیک طبقات اجتماعی را مبتنی بر رابطه‌ی انسانها با وسایل تولید می‌داند. ممکن است در یک جامعه، کشاورزی رونق داشته باشد. در این جامعه، دارندگان زمین و ابزار آلات کشاورزی اولین گروه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. اگر جامعه صنعتی باشد دارندگان کارخانه‌های صنعتی، طبقه اول را تشکیل می‌دهند. به نظر مارکس رابطه‌ی بین طبقات، نوعی رابطه بهره‌کشی است. مارکس می‌نویسد: «کارگران عملاً بیش از آنچه کارفرمایان برای جبران هزینه‌ی اجیر کردن آنها نیاز دارند تولید می‌کنند. این ارزش اضافی منبع سود مهمی برای سرمایه داران محسوب می‌شود. ادامه این وضعیت موجب پیدایش اختلاف بیشتر طبقاتی می‌گردد». (گیدنز، ۱۳۷۷) این اختلافات است که نابرابریها را ایجاد نموده و دامن می‌زند. در نتیجه آنها نابرابریها قرار گرفته اند بطور قطع در بهره برداری از فرصت‌های علمی-آموزشی و منزلت ها و دیگر امتیازهای ناشی از آن، در محدودیت جدی قرار گرفته و احساس محرومیت و فقر می‌کنند. این احساس یک حس واقعی اجتماعی است که آثار و عواقب زیان بار ناشی از خود را بر جای می‌گذارد و منزلت ها و دیگر امتیازهای ناشی از آن، در محدودیت جدی قرار گرفته

واحساس محرومیت و فقر می کنند. این احساس یک حس واقعی اجتماعی است که آثار و عواقب زیان بار ناشی از خود را بر جای می گذارد؛ و پویایی های ذهنی و فکری خلاق و کارآمد را در فرزندان قشر طبقه محروم جامعه عقیم و بی خاصیت می کند. می بینیم که فضا و افق دوراندیشانه ی این بحث را به صراحت و روشنی از میراث اندیشه مارکس به یادگار داریم که می باید همواره مورد توجه و کارکرد علمی- پژوهشی قرار بدهیم.

### ج- ماکس وبر:

وبر معتقد است طبقه اجتماعی در جامعه اگرچه بر پایه شرایط اقتصادی که بطور واقعی تعیین شده، بنا می گردد؛ اما تقسیمات طبقاتی مبتنی بر کنترل یا فقدان کنترل و وسایل تولید محقق می شود. علت وجود این اختلافات اقتصادی و نابرابریهای اجتماعی ناشی از وجود مهارت در افراد، مدارک تحصیلی، نوع شغل و تخصص آنها می باشد که در طول زندگی پایگاه اجتماعی افراد موج ایجاد نموده و آنرا دامن می زند. در دوران معاصر این عوامل به صورت اکتسابی فراهم آورده می شود و از این رو به وسیله آنها می توانند طبقه اجتماعی خود را تغییر دهند. آن اشخاص و خانواده هایی که از این فرصتها (مهارت، مدرک تحصیلی، شغل مناسب و تخصص) بهره مند نشوند در چالش فشارسنگین نابرابریهای اجتماعی قرار گرفته و از عوارض زیان بار آن متأثر می شوند.

### چ- لوکاج:

خدمت بزرگ لوکاج، کارش درباره آگاهی طبقاتی است که به نظام های اعتقادی و مشترک کسانی اطلاق می شود که جایگاه طبقاتی همانندی را در جامعه اشغال می کنند. لوکاج این را آشکار ساخته است که آگاهی طبقاتی نه مجموعه ای از آگاهیهای طبقاتی فردی و نه میانگین آنهاست، بلکه خصلت گروهی از آدمهایی است که جایگاه همانندی را در نظام تولیدی اشغال می کنند. پس آگاهی طبقاتی در واقع عبارتست از واکنشهای مناسب و عقلانی که در فرآیند تولید به موضع خاص نمونه مورد نظر «منتسب» می شود. (آدامز، ۱۹۸۵)

از منظر جامعه شناسی، تمایز میان نظام های اقتصادی و ساختارهای اجتماعی جوامع عامل اصلی تعیین کننده آگاهی طبقاتی است. در واقع منظور لوکاج این است که فقط در جوامع سرمایه داری و جوامع پس از آن می توانیم آگاهی طبقاتی بالفعل بیابیم. فقط در جوامع سرمایه داری است که منافع طبقاتی اقتصادی با روشنی به عنوان «نیروی محرکه» تاریخ پدیدار می شود و آگاهی طبقاتی شفاف می شود. پس مبارزه برای قدرت به صورت مبارزه برای آگاهی در می آید؛ یعنی مبارزه بر سر اختفای ایدئولوژیک یا افشای علمی شالوده طبقاتی جامعه. بنابراین هر قدر که آگاهی طبقاتی در جوامع شهری ایجاد شده و رونق یابد، اعضاء طبقه عمومی مردم، نیروی محرکه ای می یابند که از یک طرف به سمت کاهش فشار نابرابریها قدم بردارند؛ و از طرف دیگر بر تلاش شان جهت کسب امتیازات و فرصت های مناسب زندگی از جمله رشد و پویایی علمی و آموزشی بیافزایند. اما اگر این آگاهی طبقاتی مشترک رقم نخورده و حاصل نگردد، بدیهی است که تکاپوهایی در فضای فکری- معرفتی نسل جوان آنچنان که موجبات توسعه اجتماعی و فرهنگی را به بار آورد اتفاق نخواهد افتاد؛ بعلاوه آسیب پذیری ها، گسستگی ها و تفرقه های اجتماعی در قلمرو قشر طبقه محروم یا پایین جامعه بویژه در سطح جوامع شهری نابالغ و توسعه نیافته و در حال گذر با تمام ابهام ها و بحران های دیگری که درگیر هستند، روز به روز بیشتر خواهد گردید.

### خ- گلدمن:

به نظر گلدمن مفهوم بنیادی در علم اخیر همانا آگاهی بالقوه است؛ به عبارتی آگاهی بالقوه از امور و شرایط واقعی باید ایجاد شود. بدین معنی که آگاهی واقعی حاصل شرایط بالفعلی است که آگاهی طبقاتی تحت آن وجود دارد. آگاهی بالقوه بیانگر امکانات در دسترس آن طبقه در چارچوب ساختار اجتماعی معین آن است. آگاهی واقعی بدین ترتیب «آگاهی جمعی» یک طبقه در مرحله ای معین از تاریخ آن است. در واقع موضع طبقاتی بر مبنای کلیت مناسبات میان افراد و جامعه آنچه را که گلدمن «ساختار روانی» مشترک تمامی اعضای آن طبقه می نامد تولید می کند. اما این بدین معنی نیست که همه محصولات فکری نمایانگر مواضع طبقاتی است؛ تنها محصولاتی نقش نمایانگر ایفا می کنند که مبین ساختاری مشترک باشند (آدامز، ۱۹۸۵)

ممکن است نشانه هایی ازپویش های فردی درحوزه آموزش وتحصیلات علمی مواجه باشیم؛ اما عمده این تلاشها بیشترازکارکردفردی برخوردارند،وفاقدموج جمعی مشترک هستند.ساختارروانی مشترک قشروطبقة پایین وآسیب پذیردرجوامع شهری توسعه نیافته بگونه ای است که خود راحامل یک نوع آگاهی بالقوه موثروکارآمدنی داندوبیشترخویش رادرموضع ضعف،احتیاج ونگرانی های ناشی ازآن،بحران کاستی اعتمادبه نفس وفقدان خویشن شناسی اجتماعی وتاریخی وفرهنگی(ملی- قومی) می بیند.همه این لوازم وشرايط کافی است که اشخاص رابجای آن که درفرایند تعلیم وهویت شهروندی پویا وموفق درنظام آموزش وپرورش، فعال وپرازانرژی خلاق وبا مهارت وتخصص وشغل های پردرآمد نماید، برعکس اشخاص رادچارانفعال وانزوا درمحیط های رسمی واصلی نهادهایی مانندآموزش متوسطه وعالی می کند.

### نتیجه گیری

مطالعه جامعه شناسی طبقات اجتماعی نشان می دهد کودکان طبقه بالا با این هدف تربیت می شوند تا استعدادهای شان شکوفاتر گردد، ولی اعضاء خانواده های طبقات پایین خود را برای دست یابی به این هدف ترغیب نمی کنند؛وگرایش چندانی به تحرک اجتماعی ازخود بروز نمی دهند.

مطالعه حاضر علاوه بر آنکه در حوزه اجتماعی صورت گرفته است به مسائل روانشناسی خانواده نیز توجه داشته است.مدیران و معلمان و ذهنیت خود را نسبت به دانش آموزان بر اساس تفاوت های فردی در حوزه روانشناسی در نظر بگیرند اگر چه اولین تفاوت دانش آموزان را طبقه به اجتماعی آنها تشکیل می دهد ولی هوش و استعداد تعامل دانش آموزان با دیگران و تلاش او در امور تحصیلی بسیار حائز اهمیت می باشد.

روابط مدیران آموزشگاهها با والدین دانش آموزان بیشتر از طریق مناسبت اجتماعی تنظیم میگردد در این زمینه مدیران مدارس برای تحقق رسالت آموزشگاه خود از این روابط اجتماعی در جهت ارتقاء سطح یادگیری و پیشرفت تحصیلی کلیه دانش آموزان بهره برداری می نمایند.

مهمترین عامل در خانواده می تواند ایجاد زمینه لازم برای تمرکز و انجام امور تحصیلی فرزندان آنها باشد بنابراین والدین می توانند با افزایش رابطه دوستانه با کسی احساس تعلق و فرزندان را نسبت به خانواده افزایش دهند

### منابع

- (۱) ابراهیمی امرالله قاسمی غلامرضا سمیعی راحله ۱۳۸۲ نقش آموزش های پیش دبستانی در رشد اجتماعی دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر اصفهان نشریه تحقیقات رفتاری (بیرو،آلن، «فرهنگ علوم اجتماعی» مترجم باقر ساروخانی ، تهران ، انتشارات کیهان ، ۱۳۶۶.
- (۲) بیرشک، بهروز؛ مرادی، شهرام (۱۳۸۳) ، بررسی رابطه آموزش پیش دبستانی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان کلاس اول ابتدایی تهران در سال تحصیلی ۸۱ - ۸۲ طرح پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- (۳) بیرو، آلن، ۱۳۶۶، فرهنگ علوم رفتاری، ترجمه محمدباقر ساروخانی، تهران: موسسه کیهان
- (۴) مفیدی، فرخنده (۱۳۸۱)، آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستان. تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- (۵) کوئن، بروس، ۱۳۷۲، مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: سمت
- (۶) گیدنز، آنتونی، 1378 ، تجدد و تشخص، در جامعه جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران نشر نی
- (۷) گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷ ، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز
- (۸) مقسمی، مجتبی، ۱۳۷۹، بررسی علل و عوامل موثر در افت قبولی دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- (۹) تنهایی، ح، ۱، «جامعه شناسی در ادیان» انتشارات بهاباد، چاپ دوم ، ۱۳۷۸.
- (۱۰) تنهایی، ح، ۱، «درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی» انتشارات مرنديز ، چاپ چهارم ، ۱۳۷۹.

(۱۱) حسینی، سید ابوالقاسم، ۱۳۸۸، سبک و روش زندگی استاندارد و نقش آن در تامین سلامت بدنی، روانی، اجتماعی و معنوی انسان، تهران، نشر قطره.

(۱۲) فرشاد، مجید(۱۳۷۷)، بررسی تاثیر آموزش و پرورش پیش از دبستان در پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران

- 1) Asch, S.E.(1952). Social psychology. Englewood cliffs. N.j:prentice – Hall
- 2) Adams. G. R. (1985); Family correlates of femal adolescents ego-identity development;  
journal of Adolescence; vol 8; PP 69-82
- 3) Deese,j,(1958). The psychology of learning. Newyork: Mc Graw - Hill joe
- 4) Lunenburg, F. C.(2000). Early children education programs can make a difference in academic, economic, and social arenas. Journal of education , 120 , pp, 519-530
- 5) Schunk, D.H.(1991). Learning Disabilities. Boston: allyn and bacon